

تدابیر نظامی امام خمینی(ره) در مقابله با تهاجم عراق

حمید بصیرت‌منش^۱
محمدعلی جودکی^۲
رقیه کشاورز^۳

چکیده

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در شهریور ۱۳۵۹، ایران به مهم‌ترین بحران پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد شد. امام خمینی(ره) به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران، مدیریت این جنگ را به دست گرفتند و به کنترل امور پرداختند. هدف از نگارش مقاله حاضر بررسی تدابیر نظامی امام خمینی(ره) در مقابله با تهاجم عراق در دوره هشت ساله دفاع مقدس است. پرسش اصلی پژوهش آن است که؛ امام خمینی(ره) در مدیریت جنگ تحمیلی چه نقشی داشتند؟ فرضیه نوشتار این است که مدیریت امام(ره) برخاسته از چارچوب ارزشی مورد نظر ایشان به‌عنوان رهبر سیاسی و معنوی جمهوری اسلامی ایران بوده است. مشورت و سهیم کردن متخصصان نظامی و نیز نقش هماهنگ کننده نیروهای سیاسی و مردمی از ویژگی بارز مدیریت رهبر انقلاب بود. این جستار با استفاده از روش تاریخی و تحلیل اسنادی در پی آن است که ابعاد نظامی تدابیر امام خمینی(ره) را برای مدیریت جنگ تحمیلی تبیین کند. بر پایه یافته‌های این پژوهش، امام خمینی(ره) در سخنرانی‌های خویش، جنگ را به‌عنوان پدیده‌ای که می‌تواند جمهوری اسلامی و اساس اسلام را مورد تهدید قرار دهد، مورد توجه قرار داد. ایشان موضوع دفاع در برابر تهاجم دشمن را به مثابه یک تکلیف دینی مطرح کردند و تدابیر نظامی ایشان در راستای واگذاری کار تخصصی جنگ به کارشناسان نظامی، نظارت بر روند تحولات جنگ در میدانی دفاع از کشور، نقش هماهنگ کننده، انسجام دهنده نیروهای مسلح و به‌ویژه توانایی در بسیج نیروهای مردمی قابل تبیین است. تلاش در تقویت سپاه پاسداران و استفاده از توان رزمی و دفاعی این نیرو نیز از دیگر تدابیر مهم نظامی رهبر انقلاب بود.

کلید واژه‌ها: جنگ تحمیلی، امام خمینی(ره)، تدابیر نظامی، مدیریت بحران، انسجام و هماهنگی.

Email: basirat1341@yahoo.com

Email: mohamadjodaki@gmail.com

Email: rkeshavarz288@gmail.com

۱- استادیار گروه تاریخ پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی

۲- دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام (نویسنده مسئول)

۳- کارشناس ارشد تاریخ اسلام

مقدمه

یکی از مهم‌ترین بحران‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تهاجم ارتش عراق به خاک کشور ایران بود. انقلاب اسلامی از یک سو با چالش‌های داخلی و کشاکش احزاب و گروه‌های سیاسی روبه‌رو بود و در بعد خارجی نیز حمله صدام حسین به ایران در مسیر تثبیت نهال انقلاب دشواری بزرگی ایجاد کرد. دشمن بعثی با امکانات و توانایی بالای نظامی و پشتیبانی برخی «قدرت‌های خاورمیانه دوست» به کشوری تازه تأسیس که در حال پوست انداختن بود، حمله نظامی کرد. در چنین نبرد نابرابری نقش مدیریت رهبران سیاسی برای مدیریت بحران و کنترل و هدایت آن در راستای منافع ملی کشور خود بسیار چشمگیر است.

دوره هشت ساله دفاع مقدس به‌عنوان یک رخداد بسیار مهم در تاریخ معاصر ایران نیز حوزه بسیار نو، گسترده و کم‌تر کاوش شده برای پژوهشگران است. با گذشت سی سال از پایان جنگ تحمیلی و پاک شدن گرد تاریخ از روی پاره‌ای از اسناد و نیز امکان مقایسه ارزیابی‌ها و برداشت‌های گوناگون از این رخداد، این دوره مجال ویژه در جهت تبیین تحولات سیاسی-اجتماعی نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب را برای پژوهشگر تاریخ فراهم کرده است. درباره موضوع مدیریت جنگ در این دوره پژوهش‌های چندی انجام شده است. در این میان پرداختن به نقش امام خمینی(ره) به‌عنوان عالی‌ترین مقام سیاسی کشور در مدیریت بحران جنگ بسیار قابل اعتنا است.

امام(ره) در دوره دفاع مقدس در جایگاه یک مقام سیاسی و معنوی با حفظ انسجام در میان ملت و کارگزاران سیاسی کشور در حل بحران جنگ فعالانه حضور داشت. از جمله تدابیر مدیریتی ایشان که کم‌تر به آن پرداخته‌اند، تدابیر نظامی و چگونگی نظارت مستقیم و یا غیرمستقیم بر روند جنگ در ابعاد نظامی در دوره هشت ساله جنگ است.

پژوهندگان این جستار به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها هستند: امام خمینی(ره) در بعد نظامی چه تدابیری برای مقابله با تهاجم دشمن در پیش گرفتند؟ نقش حمایتی و پشتیبانی امام خمینی(ره) در جایگاه رهبری سیاسی و معنوی در بسیج نیروهای مردمی، افزایش انسجام و نیز انگیزش نیروهای مسلح در میداين نبرد چه کارکردی داشت؟

بنیان‌گذار انقلاب در جایگاه فرمانده کل قوا، به شکلی غیرمستقیم و ارتباط پیوسته با شورای عالی دفاع ملی، بر روند جنگ نظارت می‌کردند. همچنین ایشان کوشیدند در سخنان، توصیه‌ها

و فرامین خود به مردم و فرماندهان جنگ با تبیین جایگاه و نقش نیروهای مسلح در این دوره، آنان را در برابر تهاجم دشمن به وحدت و انسجام برسانند. در ادامه به مهم‌ترین تدابیر نظامی در اندیشه دفاعی امام(ره) در دوره هشت ساله جنگ خواهیم پرداخت.

۱- پیشینه پژوهش

چند پژوهش در خصوص موضوع این مقاله انجام شده است. پاره‌ای از منابع در بررسی نقش امام خمینی (ره) در جنگ تحمیلی بیشتر به استخراج و گردآوری سخنان بنیانگذار انقلاب در مورد جنگ و دفاع مقدس در خلال سخنرانی‌ها و پیام‌های ایشان در این دوره اقدام کرده‌اند. این دسته از پژوهش‌ها کم‌تر به تجزیه و تحلیل مباحث جنگ پرداخته‌اند. (مرندی، ۱۳۸۳؛ مرندی و سلیمانی، ۱۳۸۳)

برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز به تحلیل بخشی خاص از جنبه‌های مدیریت امام خمینی(ره) در جنگ پرداخته‌اند. تمرکز این آثار بیشتر بر ابعاد نظامی و یا کارزماتیک امام خمینی(ره) در جنگ تحمیلی بوده است. (ترکرانی، ۱۳۹۳؛ شیداییان، ۱۳۸۶) از جمله پژوهش‌های تخصصی در حوزه مدیریت جنگ تحمیلی، کتاب «نگرشی بر اصول و مبانی مدیریت نظامی جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس» به قلم علی‌احسان نیک‌جو و زهره آقابابایی است. (نیک‌جو و آقابابایی، ۱۳۸۵) تکیه این اثر بر اسناد و مصاحبه با فرماندهان و دست‌اندرکاران جنگ، یکی از امتیازهای برجسته این پژوهش است. اما نویسندگان تنها بخش کوتاهی از فصل پنجم کتاب را به فرماندهی امام خمینی (ره) و نقش آن در مدیریت جنگ تحمیلی اختصاص داده‌اند.

با توجه به ادبیات و پیشینه پژوهش، در این مقاله سعی بر این خواهد بود به شکلی تخصصی، ابعاد تدابیر و رویکرد امام(ره) در مدیریت و کنترل جنگ تحمیلی را بررسی کرده و این مسئله را با در نظر داشتن جایگاه معنوی و نیز فرماندهی نظامی ایشان مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

۲- مفهوم‌شناسی، بحران و مدیریت

پیشینه به‌کار بردن مفهوم بحران در تبیین فرآیندهای سیاسی و اجتماعی به قرن نوزدهم باز می‌گردد. در سال‌های دورتر و در ادبیات کلاسیک نیز واژه‌هایی مانند «تعارض»^۱ و «جنگ» از

^۱. Conflict

مفاهیم موازی و نزدیک با مفهوم بحران بودند. بحران، مفهومی خاص برای دلالت بر مصداقی عام همچون از هم گسیختگی، بی‌نظمی، دگرگونی دفعی، شکنندگی بیش از حد معمول، تهدید ارزش‌ها، بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی، مخاصمه نظامی و... است. (رشیدی، ۱۳۸۸: ۱۷) با در نظر داشتن جنگ به‌عنوان یک بحران نظامی و سیاسی که به سبب پاره‌ای از ویژگی‌ها ابعاد اجتماعی گسترده‌ای نیز پیدا می‌کند، به شکل کلی به ارزیابی تعاریف نظری مدیریت بحران و مهم‌ترین مسائل و راهکارهای پیش روی رهبران در هدایت و کنترل بحران‌ها خواهیم پرداخت.

در فرهنگ علوم سیاسی برای دانش مدیریت تعاریف چندگانه زیر آمده است:

«۱. علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن؛ ۲. تجهیز روان‌شناختی عوامل انسانی، فنی و اقتصادی به منظور انجام سلسله اقداماتی مؤثر؛ ۳. عمل آگاهانه به منظور نیل به اهداف و مقاصد معین از طریق همکاری منطقی نیروهای انسانی و استفاده مطلوب از امکانات موجود؛ ۴. فن و دانش سازمان دادن، راهنمایی کردن و کنترل فعالیت‌های افراد و گروه‌ها برای رسیدن به هدف‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی.» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۳۹۵)

در برداشتی دیگر: «مدیریت دلالت دارد بر فرآیند تنظیم و اجرای خط‌مشی شغلی یا صنعتی از طریق برنامه‌ریزی، سازمان‌بندی، هدایت، هماهنگی و کنترل.» (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۷۶۳) بدین‌سان در دیدگاه‌های مختلف تعاریف گوناگونی از مدیریت ارائه می‌شود؛ اما چند کلیدواژه در بیشتر این تعاریف به چشم می‌خورد. مفاهیمی مانند «پیش‌بینی»، «برنامه‌ریزی»، «سازمان‌بندی»، «هدایت یا فرماندهی»، «هماهنگ‌سازی»، «کنترل» و «کارگزینی» از مؤلفه‌های مهم در مدیریت بحران هستند. در تازه‌ترین برداشت‌ها و تعاریف از مدیریت، توجه مدیران به انسان‌ها را بیش از توجه به اشیای مادی مورد تأکید قرار می‌دهد. (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۷۶۴) فرماندهی در حوزه نظامی بر اقتدار فردی، دستورها، سازمان تحت نظر و تسلط یا نظارت دلالت دارد. فرماندهی قدرتی است که به یک فرد برای هدایت، هماهنگی و کنترل نیروهای نظامی واگذار می‌شود. فرماندهی به معنای رهبری خوب به وقت ضرورت و مدیریت خوب به وقت نیاز است. فرماندهی عناصر مدیریت و رهبری را در بر می‌گیرد و اثرگذاری شخصیت فرمانده بر نیروها بسیار اهمیت دارد. (اردستانی، ۱۳۷۶: ۴۵؛ خودسیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۱-)

در بحران جنگ تحمیلی نیز حضرت امام خمینی(ره) به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا در برابر تجاوز جنگی عراق به ایران، رهبری، هدایت و کنترل جنگ را بر عهده گرفت. مبانی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی امام(ره) در این برهه در چرخه‌ای از عوامل شرعی و مذهبی، شرایط داخلی و بین‌المللی و به‌ویژه تکیه بر نیروی انسانی قرار دارد که عبارت‌اند از:

الف. پایبندی به اصول و مبانی ارزشی و آموزه‌های مکتبی به‌عنوان تعیین‌کننده اهداف راهبردی و سمت‌وسوی آرمانی و حقیقت‌گرایی، که پایه و زیربنای تصمیم‌گیری‌های ایشان را تشکیل می‌دهد؛

ب. شناخت راهبردی از بحران‌ها، یعنی درک موضوع تصمیم و آگاهی نسبت به عوامل داخلی و محیطی کشور از ویژگی‌های بارز در تصمیمات ایشان است؛

پ. داشتن رویکرد فعال در مواجهه با تهدیدها و اتخاذ تصمیم در مواقع حساس و سرنوشت‌ساز به جای حالت انفعالی؛

ت. استفاده به‌هنگام از امکانات و شرایط موجود داخلی و تبدیل تهدیدها به فرصت در تصمیم‌های راهبردی امام(ره) برجستگی خاصی دارد. (فروتنی، ۱۳۸۷: ۵۸۰-۵۷۹)

الگوی مدیریتی امام(ره) در جنگ تحمیلی از ماهیت دفاعی جنگ در اندیشه ایشان ریشه می‌گیرد. جنبه کاریزماتیک شخصیت رهبر انقلاب نه‌تنها در ابعاد دینی و معنوی بلکه در زمینه اجتماعی نیز بر مدیریت جنگ اثرگذار بوده است. تأمین مشروعیت و اقبال عمومی برای دفاع در برابر حمله عراق، تقویت روحیه جنگاوری، تدارک نظام سازمانی جنگ و کنترل و هدایت نیروی انسانی در جنگ هشت ساله از مهم‌ترین دستاوردهای این مدیریت بود. (افضلی و همکار، ۱۳۹۷: ۴۱)

۳- واگذاری فرماندهی جنگ به شورای عالی دفاع ملی و حمایت از آن

با آغاز جنگ امام خمینی(ره) در نخستین واکنش خود نسبت به تجاوز عراق به ایران، از یک طرف ملت ایران را به خونسردی دعوت کرد و از طرف دیگر صدام را به دزدی که سنگی انداخته و فرار کرده تشبیه کردند. امام(ره) در همان آغاز با نگاهی دوراندیشانه، عامل اصلی این تهاجم را آمریکا دانستند. (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۲۳۹)

ایشان ایمان و توکل به خدا را بزرگ‌ترین پایه‌های استوار قدرت و توانایی بی‌انتهای می‌دانستند و در خطاب به مردم چنین فرمودند: «من از ملت بزرگ ایران خواهانم که در هر مسئله‌ای که پیش می‌آید قوی باشند، قدرتمند باشند، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند و از

هیچ چیز باکی نداشته باشند که ما از آن قدرت‌های بزرگ نترسیدیم. این (صدام) که قدرتی ندارد. عراق که چیزی نیست.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۳: ۲۳۲)

با گسترش جنگ و تداوم تجاوزات عراق به ایران، رهبر انقلاب اسلامی تدابیری در جهت مدیریت جنگ در حوزه نظامی به کار گرفتند. با توجه به اهمیت موضوع فرماندهی جنگ در روند مبارزه با دشمن سبب شد که امام (ره) فرماندهی جنگ را به شورای عالی دفاع واگذار کنند.

بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی مصوب بیست و چهارم آبان ۱۳۵۸ نیز ولی فقیه و رهبر جمهوری اسلامی «فرماندهی کل نیروهای مسلح» را بر عهده دارد. از این رو، یکی از اختیارات بسیار مهمی که بر اساس قانون اساسی به امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی واگذار شد «فرماندهی کل نیروهای مسلح» بود که متعاقب آن این مسئولیت اختیاراتی به ایشان می‌داد که عبارت‌اند از:

- الف. نصب و عزل رئیس ستاد مشترک؛
- ب. نصب و عزل فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛
- پ. تشکیل شورای عالی دفاع ملی مرکب از هفت نفر؛
- ت. تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه به پیشنهاد شورای عالی دفاع؛
- ث. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروهای سه‌گانه به پیشنهاد شورای عالی دفاع. (بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۱۵-۱۱۴)

بر همین اساس زمانی که عراق به کشور ایران حمله کرد، امام (ره) که فرماندهی کل نیروهای مسلح را بر عهده داشت (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۲: ۱۵۷) با توجه به اهمیت مقابله هرچه سریع‌تر با دشمن و بیرون راندن آن از مرزها، جهت رسیدگی به امور جنگ تحمیلی، فرماندهی جنگ را به شورای عالی دفاع واگذار کرد. ایشان در همین راستا در بیستم مهر ۱۳۵۹، طی پیامی خطاب به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، فرماندهی جنگ را به شورای عالی دفاع واگذار و وظایف و اختیارات آن را مشخص کردند. متن این پیام به شرح ذیل است:

«نظر به موقعیت استثنایی دفاع از کشور اسلامی و حساسیت فوق‌العاده آن، تا موقعی که جنگ افروزان به کار تجاوزگرانه خود ادامه می‌دهند، مراتب زیر اخطار و مقرر می‌شود:

۱. کلیه امور مربوط به جنگ تحت نظر شورای عالی دفاع به اضافه یک نفر از نمایندگان از قبل مجلس شورای اسلامی باید اداره شود و این شورا موظف است تمام قوای مسلح را هماهنگ

کند؛ و هیچ گروه یا شخصی تخلف از اوامر شورای مذکور نباید بکند. در غیاب آقای خامنه‌ای و آقای چمران، دو نفر از نمایندگان که یکی از آنها رئیس مجلس شورای اسلامی است باید در شورا شرکت کند.

۲. در اداره مناطق جنگی، کلیه نیروها باید از شورای مذکور تبعیت کند؛ و تصمیمات در این باره با شورای مذکور است.

۳. تبلیغات مطلقاً -چه به وسیله رادیو، تلویزیون یا مطبوعات- تحت نظر شورای مذکور باید اجرا شود و رسانه‌های گروهی و مطبوعات حق پخش مصاحبات یا نطق‌ها و نوشته‌ها را بدون مراجعه و دستور از شورای مذکور ندارند.

۴. سیاست خارجی مربوط به دفاع با شورای مذکور است و کسان دیگر بدون اجازه حق دخالت ندارند.

۵. کلیه بیان‌ها و نوشته‌ها و تبلیغات و پخش اعلامیه‌ها بدون اجازه مستقیم از شورای مذکور جداً ممنوع است.

۶. دولت مأمور جلب متخلفین و تحویل به دادگاه‌های انقلاب است.

۷. دادگاه‌ها به جرایم، حسب وضع دفاعی و انقلابی عمل می‌کنند.

۸. شورا موظف است در مناطق جنگی نمایندگانی تعیین کند که به وسیله آنها امور انجام گیرد و موجب تأخیر نشود. (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۳: ۲۶۴-۲۶۳).

در این مقطع زمانی اگرچه امام(ره) رهبر و فرمانده کل نیروهای مسلح بودند، اما تدبیر ایشان بر این بود که فرماندهی جنگ را به شورای عالی دفاع واگذار کنند. تا این شورا به صورت تخصصی بر امور جنگ نظارت و تصمیم‌های لازم را با هماهنگی ایشان به اجرا در بیاورند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۳: ۲۲۰)

واگذاری فرماندهی جنگ به شورای عالی دفاع با حفظ نظارت امام(ره) در بین مسئولین نظامی و غیر نظامی کشور با بازتاب‌هایی همراه بود و حمایت همه‌جانبه آنان را در پی داشت. آیت‌الله خامنه‌ای در اولین جلسه شورای عالی دفاع در بیست‌ویکم مهر ۱۳۵۹، این فرمان امام(ره) را بسیار به موقع دانستند و معتقد بودند با این تصمیم نیز کارها شورایی انجام می‌گیرد و نقشه‌ها با دقت بیشتری طرح و اجرا می‌شوند. (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۲۲: ۲). محمدعلی رجایی نیز در این جلسه به تأیید فرمان امام(ره) پرداخته و از آن به‌عنوان یک ضرورت در مرحله حساس کنونی جهت هماهنگی نیروها در بخش تبلیغات، نظام و سیاست خارجی نام برد. (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۲۲: ۲).

تشکیل شورای عالی دفاع بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی از جمله وظایف رهبر انقلاب به‌عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح است. امام خمینی(ره) با توجه به این اختیار پس از وقوع واقعه طیس و در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹، دستور تشکیل شورای عالی دفاع را صادر کرد. در طی احکامی که ایشان در بیستم اردیبهشت ۱۳۵۹ صادر کرد، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و مصطفی چمران را به‌عنوان مشاورین خود در شورای عالی دفاع منصوب کردند. هدف از تشکیل این شورا را وضعیت استثنایی در کشور دانسته و از آنان می‌خواهند تا «با کمال دقت و بررسی گزارش جامع و دقیق را در هر هفته از رویدادهای داخلی در ادارات مختلف ارتش» را برای ایشان ارسال کنند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۲: ۲۸۲-۲۸۱)

پس از واگذاری فرماندهی جنگ به شورای عالی دفاع با توجه به آنکه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و مصطفی چمران مشاورین امام(ره) در جبهه جنگ حضور داشتند، در بیست‌ویکم مهر ۱۳۵۹ حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی-به‌عنوان رئیس وقت مجلس شورای اسلامی- از طرف امام(ره) و محمد منتظری از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی انتخاب شدند و در غیاب مشاورین نظامی امام(ره) در جلسات شورای عالی دفاع شرکت کنند. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۷/۲۲: ۳)

از این پس نمایندگان امام(ره) در شورای عالی دفاع در طی دیدارهایی که با ایشان داشتند وضعیت جبهه‌ها را به اطلاع ایشان می‌رساندند و در امور جاری از ایشان کسب تکلیف می‌کردند. آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای نماینده امام(ره) و عضو شورای عالی دفاع در دوم آبان ۱۳۵۹ به حضور ایشان رفتند و در این دیدار امام(ره) در مورد وضع جبهه‌های جنگ و همچنین چگونگی تحرک ارتش جمهوری اسلامی سؤالاتی کردند که گزارش‌های لازم را به استحضار امام(ره) رساندند. (روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۸/۳: ۳)

در تاریخ چهارم آبان ۱۳۵۹ نیز حجت‌الاسلام علی‌اکبر رفسنجانی-رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و عضو شورای عالی دفاع- به همراه علی‌اکبر پرورش عضو دیگر شورا به حضور امام(ره) رفتند و گزارشی از تصمیمات شورای عالی دفاع که در سوم آبان ۱۳۵۹ در خوزستان تشکیل جلسه داده بود را به همراه آخرین اخبار جبهه‌های جنگ در شهرهای خرمشهر و آبادان را ارائه دادند و از ایشان کسب تکلیف کرده و مشورت کردند. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۸/۵: ۳) گزارش این دیدارها در روزنامه‌های آن دوره منتشر شده است. (روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۱۲/۲: ۳)

- در طی سال‌های جنگ تحمیلی شورای عالی دفاع نقش مهمی را در فرماندهی جنگ بر عهده داشت و با حمایت امام(ره) اقدامات ذیل را انجام دادند:
۱. تشکیل جلسات متعدد جهت بررسی وضعیت جنگ و اتخاذ تدابیر لازم در طی سال‌های دفاع مقدس؛
 ۲. تشکیل ستاد تبلیغاتی شورای عالی دفاع به منظور هماهنگی سیاست تبلیغاتی جنگ؛
 ۳. بررسی پیشنهادهای صلح از طرف مجامع بین‌المللی و برخی کشورها و اتخاذ تصمیمات لازم؛
 ۴. اعزام هیئت‌های سیاسی و تبلیغاتی به کشورهای آسیایی و اروپایی به‌خصوص کشورهای عربی به منظور تشریح اوضاع جنگ و تجاوز عراق؛
 ۵. طرح‌ریزی عملیات‌های مختلف و تغییر سیاست جنگ از حالت تدافعی به حالت تهاجمی؛
 ۶. بازسازی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛
 ۷. اعلام شرایط نهایی ایران برای پایان جنگ؛
 ۸. تصویب ستاد جنگ‌های نامنظم زیر نظر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛
 ۹. اتخاذ تصمیم تنبیه متجاوز، تصویب و تأکید بر استراتژی تعقیب متجاوز در خاک تجاوزگر و گرفتن خسارت از کشور عراق؛
 ۱۰. هشدار به کشورهای حامی رژیم بعث به‌خصوص فرانسه؛
 ۱۲. هشدار به کشورهای کوچک حامی عراق برای کناره‌گیری از معرکه جنگ؛
 ۱۳. تصمیم به ادامه جنگ تا تحقق کامل شرایط ایران؛
 ۱۴. تصویب و تشکیل قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) در زمستان ۱۳۶۲ و معرفی حجت‌الاسلام علی-اکبر هاشمی رفسنجانی به سمت فرمانده عالی جنگ؛
 ۱۵. تصمیم به «مقابله به مثل» و مجبور کردن حکومت عراق به توقف بمباران شهرها؛
 ۱۶. تصمیم به آزادی تعدادی از اسیران معلول عراقی به طور یک طرفه؛
 ۱۷. تصمیم به تقویت سپاه پاسداران بر اساس فرمان امام خمینی(ره) مبنی بر تشکیل نیروهای سه‌گانه زمینی، هوایی و دریایی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛
 ۱۸. اتخاذ تصمیماتی برای تأمین خلیج فارس و مسدود کردن راه دریایی عراق؛
 ۱۹. تقویت جبهه‌ها و برنامه‌ریزی برای اعزام نیرو در قالب کاروان‌های متعدد به منظور تقویت جبهه‌ها؛
 ۲۰. تصمیم‌گیری در مورد قطعنامه ۵۹۸.

امام خمینی(ره) در طی هشت سال دفاع مقدس علاوه بر نظارت بر کار شورای عالی دفاع، به پشتیبانی و حمایت از آن نیز می‌پرداخت و در مقاطع مختلف تصمیمات این شورا را مورد تأیید قرار می‌دادند و تا جایی که امکان داشت در تقویت آن می‌کوشیدند.

انتصاب فرماندهان ارتش از دیگر موضوعاتی است که شورای عالی دفاع به اطلاع امام(ره) می‌رساند و از ایشان کسب تکلیف می‌کرد. از جمله در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۰ آیت‌الله خامنه‌ای به- عنوان رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع ناخدا یکم اسفندیار حسینی را به سمت فرماندهی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی پیشنهاد می‌دهند که با موافقت رهبر انقلاب اسلامی همراه می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۶۲، جلد ۱۷: ۴۲۰) انتصاب سایر فرماندهان رده بالای ارتش نیز به همین صورت انجام می‌گرفت. از طرف دیگر زمانی که اعضای شورای عالی پس از بررسی‌های لازم تصمیم به تشکیل اداره حفاظت اطلاعات زیر نظر رئیس ستاد مشترک ارتش گرفتند، مراتب را به اطلاع امام(ره) رساندند و ایشان موافقت خودشان را اعلام کردند. (امام خمینی، ۱۳۶۲، جلد ۱۸: ۲۲۸)

امام(ره) در کنار نظارت و حمایت از تصمیمات شورای عالی دفاع، به‌عنوان فرمانده کل قوا در مواقع لازم با صراحت نظرات خود را در برابر نحوهٔ مقابله با دشمن بیان و از فرماندهان می-خواستند تا به آن عمل کنند از جمله پس از حصر آبادان ایشان در بیاناتی که در چهاردهم آبادان ۱۳۵۹ به نیروهای مسلح خاطر نشان می‌کنند که حصر آبادان باید شکسته شود و می-فرمایند: «من منتظرم که این حصر آبادان از بین برود. و [هشدار] می‌دهم به پاسداران، قوای انتظامی و فرماندهان قوای انتظامی که باید این حصر شکسته بشود؛ مسامحه نشود در آن، حتماً باید شکسته بشود.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۳: ۳۳۳)

ایشان پس از عزل ابوالحسن بنی‌صدر بار دیگر در جلسه شورای عالی دفاع و فرماندهان نظامی که در حضور ایشان تشکیل شد، با صراحت و قاطعیت خطاب به آنان در مورد شکسته شدن حصر آبادان فرمودند:

«چرا حمله نمی‌کنید؟ بنی‌صدر هم همیشه امروز و فردا می‌کرد و می‌گفت یک ماه دیگر طراحی داریم،... اگر نمی‌خواهید بجنگید، بگویید تا ما تکلیف خودمان را بدانیم.» (درودیان، ۱۳۸۳: ۴۸)

امام (ره) همچنین اخبار عملیات‌ها را در همان شب عملیات پیگیری می‌کردند و در صورت لازم دستوراتی را صادر می‌کردند، از جمله در عملیات خیبر امام(ره) به نیروهای در حین

عملیات دستور دادند تا مقاومت کنند. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۷، ۱۴۴-۱۴۳؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۷، ۳۲-۲۵).

۴- ایجاد هماهنگی و انسجام در نیروهای مسلح

یکی از نکاتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی جهت تداوم حکومت اسلامی و دفع تهدیدات داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفت، تقویت نیروهای مسلح و تجهیز آنان بود. امام(ره) با درایت به اهمیت یک نیروی هم راستا با اهداف انقلاب و نیز تأمین امنیت کشور واقف بودند. جایگاه ایشان به عنوان رهبری تشکیل این نیروی وفادار را بسیار تسهیل می کرد. بنابراین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در سال ۱۳۵۸ شکل گرفت و به همراه ارتش جمهوری اسلامی وظیفه دفاع از مرزهای ایران اسلامی را بر عهده گرفت. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران دو ارگان رسمی می باشند که به عنوان دو بازوی قدرتمند در پیکر نظام اسلامی، مکمل یکدیگرند و نقش مهمی در دفاع، حفاظت و تأمین امنیت کشور بر عهده دارند و در صورت تهاجم دشمن خارجی به مرزهای کشور از مرزهای اسلامی دفاع می کنند.

کارایی و افزایش توان نیروهای مسلح به علل و عوامل متعددی بستگی دارد که انسجام و هماهنگی میان تمام اجزا آن از رده های بالا تا پایین از اهمیت بسیاری برخوردار است. در ایران اسلامی نیز با توجه به آنکه سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی به صورت هم زمان دفاع از کشور را بر عهده دارند، از این رو هماهنگی و انسجام آنها در مرتبه اول در دورن سازمان خود و در مرتبه بعدی با یکدیگر، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، از اهمیت خاصی برخوردار است و نقش مهمی در افزایش توان نیروهای مسلح کشور دارد. اهمیت این موضوع سبب شده است تا سرلشکر پاسدار محسن رضایی موضوع هماهنگی میان ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را یکی از موضوعات مهم پس از پیروزی انقلاب اسلامی دانسته و خاطر نشان کنند:

«از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران که سپاه پاسداران به وجود آمد، این بحث بود که بین ارتش و سپاه پاسداران چطور می شود هماهنگی ایجاد کرد و آن را حفظ کرد؟» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۷/۶)

امام خمینی(ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی از همان ابتدای شکل گیری جمهوری اسلامی به موضوع انسجام و هماهنگی نیروهای مسلح توجه کرده است و آن را به عنوان یک اصل مهم به فرماندهان و نیروهای نظامی متذکر شده است؛ از جمله در سخنانی که در هشتم

شهریور ۱۳۵۸ در جمع بخشی از کارکنان دولتی، معلمین و نیروهای ارتش دارند، به موضوع هماهنگی نیروهای مسلح در مبارزه با اغتشاشات کردستان اشاره می‌کنند:

«ارتش، ژاندارمری، پاسداران ملزم‌اند که با هم تفاهم داشته باشند؛ هماهنگ باشند. اگر هماهنگ نبودند، تأدیب می‌شوند؛ مجرم‌اند. رؤسای ارتش موظف‌اند که اسباب جنگ برادرهای ما را، برادرهای پاسدار ما را فراهم کنند. تعلل نکنند؛ آنها را مجهز کنند. باید با فوریت این ریشه‌های فساد را بکنند. مهلت به این ریشه‌های فساد ندهند.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۹: ۳۷۲)

ایشان در سخنان خود در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۹، این موضوع را خاطر نشان می‌کنند که هم-زبانی، هم‌پیمانی و هماهنگی نیروهای مسلح از اهمیت بسیاری برخوردار است و آن را ضامن پیروزی آنان معرفی می‌کنند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۲: ۲۹۴)

اهمیت موضوع انسجام و هماهنگی میان نیروهای مسلح در منظر امام(ره) به حدی است که ایشان در کنار بیان اهمیت این موضوع برای نیروهای مسلح در مناسبت‌های مختلف، در طی احکامی در بیست‌وهشتم خرداد ۱۳۵۹، نمایندگانی را از جانب خود در ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران منصوب می‌کنند تا سازمانی جهت بررسی امور نیروهای مسلح تشکیل دهند. این سازمان موظف بود آنچه را که در ارتش و شهربانی و ژاندارمری و سپاه پاسداران می‌گذرد به بهترین وجه و با کمال دقت بررسی کرده و گزارش‌های هفتگی را به ایشان تقدیم کنند. (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۴۵۲-۴۵۰) بررسی امور نیروهای مسلح به امام(ره) این امکان را می‌داد تا با رصد عملکرد نیروهای مسلح تصمیم‌های لازم جهت انسجام و هماهنگی هرچه بیشتر نیروها را بگیرند.

پس از حمله عراق به ایران و شروع جنگ تحمیلی با توجه به ضرورت دفاع از کشور ایران اسلامی، هماهنگی و انسجام نیروهای مسلح بیش از پیش مورد توجه امام(ره) قرار گرفت. در این مقطع ایشان تلاش کردند تا از یک سو با بیان اثرات سازنده انسجام و هماهنگی نیروهای مسلح آن‌ها را به این امر مهم دعوت کنند و از سوی دیگر با صدور احکامی این کار را تسریع بخشند.

انسجام و هماهنگی نیروهای مسلح از همان ابتدای جنگ مورد توجه رهبر انقلاب اسلامی قرار گرفت و در راستای تحقق هرچه بیشتر انسجام و وحدت نیروهای مسلح در یکم بهمن ۱۳۵۹، با صدور اعلامیه یازده ماده‌ای دربارهٔ نیروهای مسلح و امور جنگ از آنان می‌خواهند تا نظم، انضباط و هماهنگی خود را در جهت مبارزه با دشمن و پیروزی بر آن حفظ کنند. در

بندهای ۱، ۲، ۳، ۵ و ۱۰ این اعلامیه به موضوع وحدت و هماهنگی نیروهای مسلح توجه و چنین آمده است:

۱. نیروهای مسلح نظامی و غیرنظامی از هر قشر که هستند لازم است انضباط را دقیقاً حفظ کرده و از کارهایی که مخالف انضباط است، اجتناب کنند و به مسئولیت بزرگی که بر عهده آنان گذاشته شده است توجه کرده؛ و تخلف از انضباطِ مطلوب موجب مسئولیت و تعقیب است.
 ۲. از ثمرات انضباط، اطاعت از فرماندهان است. باید تمام افراد نیروهای مسلح از فرماندهان خود اطاعت کنند، که بحمدالله می‌کنند. سرپیچی از اطاعت فرمانده، چه در قوای نظامی و انتظامی و چه در سپاه پاسداران و چه بسیج و نیروهای مردمی، مسئولیت دارد و موجب تعقیب است. (درویشی سه‌تالانی، ۱۳۸۵: ۲۲۲)

۳. وحدت فرماندهی از مسائل مهم سرنوشت‌ساز است که بدون آن پیروزی میسر نیست و عدم مراعات آن فاجعه آفرین است؛ و کسانی که بدان سر نهند مسئول اند.

۴. هماهنگی جمیع قوای نظامی و غیر نظامی از مهمات آینده‌ساز است. اگر فرد و یا افرادی در این امر حیاتی اخلال ایجاد کنند، باید معرفی شوند تا به دادگاه تسلیم گردند.

۵. بار دیگر به ارتش و سپاه پاسداران و ژاندارمری و بسیج و همه نیروهای مسلح نظامی و غیر نظامی تأکید می‌کنم که با هماهنگی هرچه بیشتر بر دشمن بتازید؛ و از اختلاف که از وسوسه‌های شیطان و به سود شیاطین است بپرهیزید؛ و از فرماندهان اطاعت کنید؛ و به خدای متعال اعتماد و اتکال کنید، و کشور خود را از شر شیاطین با وحدت کلمه نجات دهید؛ و به اطمینان خاطر و صبر و شکیبایی، همچون سربازان صدر اسلام، به جنگ و دفاع از کشور عزیزمان ادامه دهید که خداوند متعال پشت و پناه شماست و شما به خواست پروردگار بزرگ پیروزید. (درویشی سه‌تالانی، ۱۳۸۵، جلد ۱۳: ۵۴۴-۵۴۱)

ایشان در پیامی که به مناسبت روز ارتش (۲۹ فروردین ۱۳۶۱) صادر کردند نیز پیروزی رزمندگان در جبهه‌ها را ناشی از وحدت و انسجام قوای مسلح دانسته است. (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۶: ۲۰۲)

امام(ره) همچنین جهت جلوگیری از گروه‌گرایی در نیروهای مسلح از آن‌ها می‌خواهد تا در سیاست دخالت نکنند. اهمیت این موضوع سبب شده تا ایشان در پیام ۲۹ فروردین ۱۳۶۱ نیز به این موضوع اشاره و خاطر نشان کنند که:

«از امور مهمی که باید تمام نیروهای مسلح از آن پیروی کنند و اغماض از آن به هیچ‌وجه نمی‌توان کرد و باز هم تذکر داده‌ام، آن است که هیچ یک از افراد

نیروهای مسلح، چه رده‌های بالا یا پایین در حزب و گروهی با هر اسم و عنوان نباید وارد شوند، هرچند آن حزب و گروه صددرصد اسلامی و به جمهوری اسلامی وفادار باشند. و هرکس در یک حزب و گروه وارد شد باید از ارتش و سپاه و سایر قوای انتظامی و نظامی و قوای مسلح خارج شود.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۶: ۲۰۳)

امام خمینی(ره) همچنین به منظور ایجاد هماهنگی هرچه بیشتر میان ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پانزدهم فروردین ۱۳۶۲، حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور وقت را مأمور این مهم می‌کنند. در ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ نیز پس از درخواست حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور وقت به منظور انتصاب حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی به جانشینی فرماندهی کل قوا، امام(ره) وی را به این سمت انتصاب و «هماهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی در تمامی زمینه‌های دفاع مقدس اسلام» را در ذیل وظایف ایشان ذکر می‌کنند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۲۱: ۵۷-۵۶؛ درویشی سه‌تالانی، ۱۳۸۵: ۲۲۵)

۵- پشتیبانی از نیروهای مسلح در جنگ

با توجه به نقش نیروهای مسلح در حفظ تمامیت ارضی، استقلال و امنیت کشور از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) به پشتیبانی و حمایت از نیروهای مسلح توجه نشان دادند. از جمله، طی پیامی که خطاب به عموم مردم ایران دارند به صراحت حمایت خود را از نیروهای مسلح کشور اعلام و خاطر نشان می‌کنند:

«اینجانب پشتیبانی خود را از قوای انتظامی، ارتش، ژاندارمری، شهربانی و پاسداران انقلاب اعلام می‌کنم؛ و اجازه نمی‌دهم قلم یا قدمی در تضعیف آنان به کار رود. متخلفین مجرم؛ و در صورت احساس توطئه در دادگاه‌های انقلابی محاکمه انقلابی می‌شوند. و از این تاریخ هیچ‌کس و هیچ مقامی حق تضعیف آنان را ندارد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۹: ۳۱۶)

پس از شروع جنگ تحمیلی امام(ره) همچنان به حمایت خود از قوای مسلح ادامه دادند، به طوری که در پیامی که به مناسبت حلول سال ۱۳۶۰، صادر کردند به اعلام این حمایت پرداخته‌اند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۴: ۲۱۹) این حمایت قاطعانه امام(ره) از نیروهای مسلح تا پایان جنگ عراق علیه ایران ادامه داشته، به طوری که ایشان پس از پایان جنگ در طی

پیامی که خطاب به فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صادر می‌کنند به حمایت همیشگی‌شان از قوای مسلح کشور تأکید و می‌فرمایند:

«من که وظیفه‌ام دعاگویی و سپاس و تشکر از همه سپاهیان و بسیجیان و ارتشیان است، باید به همه نیروهای مسلح کشور و به شما اطمینان بدهم که تا من زنده هستم و تا رمق در جسم و جان دارم از حمایت و دعای خیر برای شما دریغ نخواهم کرد؛ و شما را از بهترین عزیزان و همراهان خود می‌دانم؛ و همان گونه که در ایام جنگ در کنار شما بوده‌ام، و شاید یکایک شما محبت و ارادت‌م را به خود احساس کرده‌اید، بعد از این نیز چنین خواهم بود.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۲۱: ۱۳۳)

این‌گونه حمایت‌ها با توجه به نوع ارتباط معنوی امام(ره) با نیروها و به طور کلی جامعه به-عنوان رهبر و معمار انقلاب عامل انگیزشی مهم برای نیروهای رزمنده و نیز ایمان بر مشروع بودن دفاع در برابر دشمن متجاوز بود.

۶- توسعه تشکیلات نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تلاش نیروهای انقلابی و هدایت رهبر انقلاب اسلامی در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به صورت رسمی شکل گرفت. بر اساس اولین اساسنامه سپاه پاسداران از جمله وظایف این نهاد «دفاع در برابر حملات و اشغال عوامل یا قوای بیگانه» (نگاه کنید به: اولین اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) است که همین امر وظیفه سپاه پاسداران را در مقابله با اخلال‌گران داخلی و متجاوزین خارجی مشخص می‌کرد تا در صورت لازم به صحنه آمده و از امنیت داخلی و مرزهای کشور دفاع کنند.

در حالی که سپاه پاسداران هنوز یگان‌های نظامی خود را سازمان نداده بود، ارتش عراق در سی‌ویکم شهریور ۱۳۵۹، به طور رسمی به ایران حمله و در سه جبهه شمالی، میانی و جنوبی مرزهای ایران را مورد تجاوز قرار داد و توانست بخشی از سرزمین‌های ایران را تصرف کند. در ابتدای حمله عراق به ایران با توجه به آنکه ابوالحسن بنی‌صدر فرماندهی کل قوا را بر عهده داشت، درصدد بود تا با اتکا بر نیروهای ارتش، استفاده از روش‌های کلاسیک تحت عنوان روش‌های علمی و تخصصی و عدم توجه به نقش نیروهای مردمی و سپاه پاسداران مناطق متصرف شده را آزاد کند. با این حال تلاش‌هایی که در این زمینه انجام گرفت و عملیات‌هایی که اجرا شد، موفقیتی به دست نیامد و سال اول جنگ بدون این که ایران موفق به آزادسازی سرزمین‌های اشغالی‌اش شود، به پایان رسید.

با عزل بنی‌صدر توسط رهبر انقلاب اسلامی، نیروهای سپاه پاسداران فرصت لازم جهت ورود به عرصه نبرد و طرح‌ریزی برای عملیات‌های آینده را به‌دست آوردند. از این زمان به بعد سپاه پاسداران با در نظر گرفتن تجارب گذشته و شناخت دشمن مطابق با توان و مقدرات موجود و فارغ از روش‌های کلاسیک با استفاده از نیروهای بسیج و سپاه پاسداران به طرح-ریزی عملیات‌های محدود جهت کسب تجربه و آماده کردن زمینه‌های لازم جهت انجام عملیات‌های گسترده پرداخت.

بدین ترتیب اندیشه دفاعی سپاه پاسداران به تدریج شکل گرفت و زمینه‌های طرح‌ریزی عملیات گسترده و آزادسازی کلیه مناطق اشغالی را فراهم ساخت. سرانجام سپاه پاسداران عملیات ثامن الائمه را در تاریخ پنجم مهر ۱۳۶۰، با هدف شکستن محاصره آبادان آغاز و موفق شد به اهداف طرح شده، رسیده و به حصر آبادان پایان دهد. موفقیت سپاه پاسداران در این عملیات سبب شد تا سازمان رزم خود را توسعه داده و به موازات گسترش سازمان رزم، اقدامات جدی و اساسی را برای طرح‌ریزی یک سلسله عملیات با هدف آزادسازی کلیه مناطق اشغالی را آغاز کند که در همین راستا موفق به انجام عملیات‌های موفقیت‌آمیز طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس و بیرون راندن دشمن از بخش مهمی از سرزمین‌های ایران شد. (درودیان، ۱۳۸۳: فصل ۳ و ۲)

علی‌رغم اقدامات مؤثر سپاه پاسداران در این مقطع با این حال سپاه پاسداران از امکانات لازم برای مقابله با دشمن برخوردار نبود؛ بدین ترتیب که در سال سوم جنگ در وضعیتی که دشمن ۵۵۰ گردان نیروی پیاده در اختیار داشت و برای مقابله با عملیات آفندی از ۳۰۰ گردان نیروی آزاد برخوردار بود، سپاه پاسداران تنها ۸۰ گردان نیرو برای ۷ روز جنگ در اختیار داشت؛ ضمن این‌که بخشی از توان رزمی سپاه در خطوط دفاعی مناطق تصرف شده مانند جزایر مجنون و هور زمین‌گیر شده بود. (درودیان، ۱۳۸۳: ۱۲۷) بنابراین گسترش سازمان رزم سپاه پاسداران و افزایش توان و امکانات آن یکی از بحث‌های مهمی بود که در مورد نحوه ادامه جنگ مطرح می‌شد که در این راستا پس از فراز و نشیب‌های مختلف، امام خمینی(ره) در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۶۴ دست به ابتکار جدیدی زد و دستور تشکیل نیروهای سه‌گانه زمینی، دریایی و هوایی را صادر کردند.

دستور جدید امام خمینی(ره) در حالی صادر شد که برخی از مسئولان کشور با تشکیل نیروی هوایی و نیروی دریایی مستقل سپاه از ارتش موافق نبودند با این حال امام خمینی(ره) با استناد به قانون اساسی و طی حکمی به فرمانده کل سپاه، دستور تشکیل نیروهای زمینی و

دریایی و هوایی سپاه را صادر فرمودند و در آن تأکید کردند که این نیروها باید «قوی» و «سریع» تشکیل شوند. ایشان به این منظور از طریق فرزندشان سیداحمد خمینی به فرمانده سپاه پیغام دادند که درخواستی را برای تشکیل نیروهای سه‌گانه در سپاه ارسال کند. پس از آنکه امام خمینی(ره) این حکم را صادر فرمودند، بعضی از مسئولان کشور موافق انتشار علنی این حکم نبودند و آن را موجب حساسیت ارتش می‌دانستند. به هر حال صدور حکم امام خمینی(ره) راه را برای توسعه قانونی سپاه پاسداران و تشکیل نیروهای زمینی، دریایی و هوایی باز کرد. (افضلی و همکار، ۱۳۹۷: ۱۱۸) البته مقدمات تشکیل این نیروها از سال‌های قبل برداشته شده بود و سپاه یگان‌های زمینی، دریایی و هوایی را در تشکیلات خود به وجود آورده بود. بلافاصله پس از ابلاغ حکم امام(ره) فرمانده کل سپاه با هماهنگی با جانشین فرماندهی کل قوا، آقایان علی شمخانی را به فرماندهی نیروی زمینی، حسین علایی را به فرماندهی نیروی دریایی و موسی رفان را به فرماندهی نیروی هوایی برگزید. از این پس نیروهای سه‌گانه سپاه پاسداران دارای ردیف بودجه مستقل شدند و توانستند حوزه تخصصی زمینی، دریایی و هوایی را فعال کنند. (علایی، ۱۳۹۱: ۱۳۲-۱۲۹)

این دستور امام(ره) نقش مهمی در تقویت توان رزمی سپاه پاسداران در زمان جنگ و افزایش توان دفاعی آن داشت که عملیات موفقیت‌آمیز والفجر ۸ از جمله دستاوردهای مهم آن است. (درودیان، ۱۳۸۵: ۱۳۵)

۷- استفاده از ظرفیت نیروهای مردمی در جنگ

از دیدگاه امام خمینی(ره) دوام و بقای حکومت مستلزم توجه به خواسته‌های مردم، دخالت دادن آنان در امور حکومتی و به رسمیت شناختن حق آنها در نظارت بر ارکان حکومت است. از این رو در بیانات متعددی بر نقش حمایتی مردم از حکومت اشاره می‌کنند. از جمله در بیاناتی که در دوازدهم تیر ۱۳۵۸، به این موضوع اشاره کرده و می‌فرمایند: «اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند. این حکومت سقوط ندارد، اگر یک ملت پشتیبان یک رژیم باشند. این رژیم از بین نخواهد رفت.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۸: ۳۷۲)

با توجه به اهمیتی که امام خمینی(ره) برای نقش آحاد مردم در حفظ حکومت اسلامی قائل است؛ ایشان از همان ابتدای حمله عراق به ایران بر نقش و جایگاه مردم در دفاع از کشور و دفع متجاوز توجه و در بیاناتی که در جمع مردم و فرماندهان ارشد نظامی داشته بر این مسئله تأکید کردند. از جمله در پیامی که در پنجم مهر ۱۳۵۹، ناظر بر توجه ویژه به نقش مردم در

دفاع از کشور، مسئولین و علمایی که می‌خواهند مردم را برای دفاع از کیان کشور آماده کنند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۳: ۲۴۳)

ایشان در ادامه این پیام، مردم را به دفاع از کشور فرا خوانده و با مشخص کردن وظیفه آنان در این رابطه می‌فرمایند:

«امروز، روزی است که تمام مردم باید از شهرهای خود دفاع کنند و به شهرهای جنگ‌زده کمک نمایند. امروز، روزی است که بر تمام ملت واجب است با سربازان و پاسداران اسلام و ایران همکاری لازم و نزدیک داشته باشند. امروز، روزی است که عشایر عزیز و غیور ما از مرزهای کشورشان باید دفاع نمایند. امروز، روزی است که ملت ما باید دست در دست سپاه و ارتش نجیب و دلیر گذاشته و به دشمنان بفهمانند که بر فرض محال اگر وارد شهری شدند، تازه با مردمی مسلح و جنگجو مواجه خواهند شد که از وجب به وجب شهرشان دفاع می‌نمایند.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۳: ۲۴۳-۲۴۴)

رهبر انقلاب اسلامی، همچنین در پیامی در بیست‌وهفتم مهر ۱۳۵۹، مردم را به مبارزه با دشمن دعوت می‌کنند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۳: ۲۷۱-۲۷۲) ایشان در ادامه این پیام، به نیروهای مسلح و شورای عالی دفاع متذکر می‌شوند که در صورت نیاز به نیرو جهت دفاع از کشور از «جوانان پرشور در سطح کشور» که «آماده جهاد هستند» بهره ببرند و نیز از آنان می‌خواهند تا به تسلیح نیروهای داوطلب مردمی بپردازند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۳: ۲۷۱-۲۷۲)

علی‌رغم اندیشه امام(ره) در به‌کارگیری نیروهای مردمی در جنگ علیه دشمن، با این حال تا زمانی که ابوالحسن بنی‌صدر فرماندهی کل قوا را بر عهده داشتند، از نظریات رهبر انقلاب اسلامی تبعیت نکردند و با پیروی از اندیشه‌های «جنگ کلاسیک» مانع از استفاده از نیروهای داوطلب مردمی و سپاه پاسداران در جنگ شدند. (احسان نیک‌جو و همکار، ۱۳۸۵: ۱۳۸-۱۳۷). بر همین مبنا در عملیات‌هایی که برای آزادسازی مناطق اشغالی در زمان ابوالحسن بنی‌صدر به اجرا درآمدند از ظرفیت نیروهای مردمی استفاده نشد.

پس از عزل ابوالحسن بنی‌صدر توسط رهبر انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با طراحی استراتژی جدید ابتکار عمل را برای آزادسازی مناطق اشغالی به‌دست گرفت. یکی از اصول مهم استراتژی سپاه پاسداران تبعیت از فرمان امام(ره) در به‌کارگیری نیروهای داوطلب مردمی در جنگ بود. بر همین اساس سپاه با اتکا به نیروهای مردمی که در قالب بسیج جذب

کرد، به گسترش سازمان رزم خود پرداخت. اولین دستاورد استفاده از نیروهای مردمی در سطح وسیع در عملیات طریق القدس خودش را نشان داد. در این عملیات نیروهای مردمی در سطح گسترده‌ای سازماندهی و به کار گرفته شدند که همین امر اجرای تاکتیک عبور از منطقه رملی را میسر کرد؛ زیرا بدون اتکا به نیروهای مردمی اجرای این تاکتیک عملی نبود. (درویدیان، ۱۳۸۹: ۴۴-۵۰)

حضور نیروهای مردمی و رزمندگان در جنگ تحمیلی دستاوردهای سازنده به دنبال داشت. بسیج این نیروها در میدان نبرد و نیز پشتیبانی از جبهه، موازنه را به شکلی غافلگیرانه به نفع نیروهای خودی بر هم زد. اهمیت این حضور به گونه‌ای است که شهید چمران از دلایل غافلگیری دشمن در جنگ را، عدم محاسبه حضور داوطلبانه و هماهنگ آحاد مردم در جبهه‌ها دانسته و می‌گوید:

«صدام و اربابان او اصلاً قدرت مردمی را حساب نکرده بودند... در خلال جنگ ما شاهد بوده‌ایم که ده‌ها و صدها هزار جوانی که با شور و شوق به صحنه‌ها می‌آیند و با چه جانبازی سینه خود را سپر گلوله و خمپاره می‌کنند و آرزوی شهادت دارند. مردان پیر و جوانان و زنان که گاهی با گریه و التماس، خواستار اجازه هستند که به جبهه بروند و به افتخار شهادت نائل آیند، یا پیرزنانی که حتی لقمه نان را از فرزندان خود می‌گیرند که برای پشتیبانی از رزمندگان به جبهه بفرستند.» (نامه انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰: ۴۸؛ پارسادوست، ۱۳۸۵: ۶۰۲)

هفته‌نامه نیوزویک، حضور هماهنگ مردم را در جبهه به کابوسی برای فرماندهان عراقی تعبیر می‌کند و می‌نویسد: «پنج سال پس از جنگ شدید و تلخی که در آن بیش از ۴۰۰ هزار نفر کشته شده‌اند، ایران هنوز مشکلی برای اعزام نیروی داوطلب به جبهه ندارد. گروه‌های مختلف تشکیل دهنده نیروهای بسیجی، از جوانان و بچه‌های کم سن و سال و مردان ریش سفید، نشانه بزرگ‌ترین تهدید برای عراق است. جهان خارج ممکن است به چنین افرادی به صورت افراد گمراه شده با تعجب نگاه کند، لیکن آن‌ها همچنان به جبهه‌ها خواهند رفت و این‌جا میلیون‌ها نفر مانند وی وجود دارد. فقط موجودیت آن‌ها می‌بایست که کابوسی برای هر یک از فرماندهان عراقی باشد.» (مجله امید انقلاب، ۱۳۶۵: ۳۵)

کونوشیو خبرنگار ژاپنی نیز از ابعاد گسترده حضور مردم در رزم و پشتیبانی با شگفتی می‌گوید:

«من فکر نمی‌کردم مردم این طور قوی باشند... مردم نه تنها از جنگ فرار نمی‌کردند که [می‌گفتند] این جنگ، یک جنگ مردمی است و این مردم هستند که

می‌جنگند و فکر می‌کنم تا بیرون راندن عراق، به جنگ ادامه خواهند داد... همچنین دیدن بچه‌های اسلحه به دست که از وطن خود دفاع می‌کنند، برایم جالب بود... روحیه مردم در شهرها واقعاً قابل تحسین بود و همگی می‌گفتند: هرچند صدام می‌خواهد با ترساندن ما به وسیله توپ و موشک ما را از شهرهایمان بیرون کند، ولی ما خواهیم ماند و در پشت جبهه رزمندگان را تقویت خواهیم کرد.» (ماهنامه صف، ۱۳۶۰: ۴۱-۴۰).

در هفته‌نامه عربیا نیز در مورد اعزام تمام اقشار به جبهه‌ها آمده است: «در هر شهر و روستای ایران، مردم به گرد دفاتر سپاه پاسداران اجتماع می‌کنند که برای رفتن به جبهه‌ها ثبت نام کنند؛ جوان، پیر، کودک و حتی افراد ناقص و علیل. در میان داوطلبان، طلبه‌ها و روحانیون هم هستند.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵/۲/۲۲: ۹).

حضور مردم در نبرد با دشمن به حدی بود که در سال ۱۳۶۶، تعداد ۱۵۰ گردان نیروی بسیجی عازم جبهه‌ها شدند. در روزنامه جمهوری اسلامی در این مورد آمده است: «۱۵۰ گردان بسیجی از تهران در قالب سپاهیان حضرت محمد(ص) عازم میادین نبرد شدند. سپاهیان توانمند حضرت محمد(ص) متشکل از نیروهای جان بر کف بسیج؛ بسیج ادارات و کارخانجات و دیگر اقشار مردم استان تهران در یک راهپیمایی عظیم و باشکوه که تبلور ایمان را در تجلی‌گاه ایران اسلامی به معرض نمایش گذاشته بودند، ضمن تأکید مجدد بر پیمان ناگسستگی خود با رهبری انقلاب اسلامی، آمادگی و عزم راسخ خود را برای مقابله با هرگونه توطئه دشمنان انقلاب اسلامی و ادامه جنگ تا پیروزی نهایی اعلام داشتند.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۹/۱۱: ۱۲) این آمار تنها اختصاص به تهران نداشت و سایر مناطق کشور نیز متناسب با جمعیتی که داشتند بخشی از نیروهایشان داوطلبانه راهی میدان نبرد می‌شدند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۹/۸: ۸)

آمار قشربندی شهدا، مجروحین و اسراء جنگ تحمیلی نشان می‌دهد که تمام اقشار در دفاع از کشور به رهبر خودشان لبیک گفته و وارد عرصه مبارزه با دشمن شده‌اند، که در این میان آمار ۴۳ درصدی شهدای بسیجی نشان از حضور بی‌بدیل اقشار مختلف جامعه در جنگ دارد. (روزنامه کیهان، ۱۳۷۹/۷/۳: ۱۴)

امام(ره) پشتیبانی از جبهه‌ها را مختص به مردان ندانسته و از بانوان نیز می‌خواهد تا در این عرصه وارد عمل شوند و می‌فرمایند:

«شما خانم‌ها، شما زن‌ها توجه به این معنا داشته باشید که همان طوری که بر مردها در جبهه لازم است که جلو بروند و پیش قدم باشند، شما هم در خارج، در پشت جبهه باید کمک کنید و مهیا بشوید که چنانچه -خدای نخواست- یک وقت دفاع عمومی واجب شد بر همه؛ یعنی، همه ما بی‌استثنا، هر کس قدرت دارد بی‌استثنا، دفاع بر او واجب شد، مهیا باشید از برای دفاع.» (صحیفه امام، جلد ۲۰: ۲۰)

(۹)

در کنار اقشار مختلف که حضور فعالی در پشتیبانی از جبهه‌ها داشتند، نقش بانوان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا آنان در کنار پشتیبانی مادی از جبهه‌ها به حمایت عاطفی و روانی از پدران، همسران و فرزندان خود نیز می‌پرداختند و با صبر و تشویق عزیزان خود برای حضور در جبهه‌ها و ادامه رزم مانع از خالی شدن میدان جنگ از رزمندگان می‌شدند. فعالیت در ستادهای پشتیبانی، اهدای جواهرات و اندوخته خود به جبهه‌ها، انجام خدمات درمانی در بیمارستان‌های مناطق جنگی و پرستاری از رزمندگان مجروح، رساندن کمک‌های ارسالی به دست رزمندها و تشویق عزیزان خود برای رفتن به جبهه از جمله اقدامات بانوان در این زمینه بود.

مقام معظم رهبری در مورد نقش روحی و عاطفی بانوان در این مقطع می‌فرمایند:

«ما در جنگ و انقلاب مشاهده کردیم که نقش خانم‌ها اگر از مردها بیشتر نبود، کم‌تر نبود. اگر زن‌ها حماسه جنگ را نمی‌سرودند و جنگ را در میان خانه‌ها به-عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کردند، مردها اراده و انگیزه رفتن به میدان جنگ را پیدا نمی‌کردند. ده‌ها عامل دست به دست هم می‌دهد تا خیل عظیم بسیجی را به سمت جبهه روانه کند، یکی از مهم‌ترین این عامل‌ها روحیه همسرها و زن-هاست.» (حدیث ولایت، ۱۳۷۵: ۵۴؛ غفاری جاهد، ۱۳۸۶: ۴۶)

نتیجه‌گیری

موضوع تدابیر نظامی امام(ره) در مدیریت جنگ تحمیلی را با شناخت جایگاه دفاع و جهاد در اندیشه اسلامی باید بازشناخت. جنگ در اندیشه امام(ره) ماهیتی دفاعی داشت. بنابراین از همین دیدگاه به مدیریت جنگ پرداختند. ایشان با روشن کردن جبهه حق و باطل برای مردم و رزمندگان و ضرورت دفاع از سرزمین اسلامی پشتوانه فکری و مشروعیت دفاع نیروهای خودی را فراهم کردند. جایگاه امام(ره) به‌عنوان معمار و رهبر انقلاب، مرجع تقلید و نیز عارفی خداجو ظرفیتی خاص برای جنبه شخصیتی فرماندهی و مدیریت ایشان ایجاد می‌کرد. این ظرفیت در

ایجاد همدلی میان رزمندگان، مقوله انگیزشی و به صحنه آمدن اقشار گوناگون جامعه در دوره جنگ هشت ساله بسیار مؤثر بود. حضور گسترده عشایر و بانوان و کمک‌های مردمی در پشتیبانی از جنگ، در یاری‌رسانی به رهبری معنوی در نبرد حق علیه باطل ریشه داشت. سیره نظری و عملی امام(ره) برای فرماندهان دوره جنگ نیز الگوی مناسبی از رفتار با زیردستان بود؛ الگویی که از مکتب اسلامی و ارزش‌های معنوی و اخلاقی سرچشمه می‌گرفت.

جدا از ویژگی‌های فردی رهبری امام(ره) و سهم آن در پیشبرد جنگ تحمیلی، از نظر استراتژی نظامی ایشان به تخصص و مشورت تأکید داشتند. در همین راستا شورای عالی دفاع تشکیل شد که با ارتباط مؤثر و گزارش میدان نبرد، فرمانده کل قوا نقش نظارتی و کنترل فرماندهی خود را به گونه‌ای غیرمستقیم بر جنگ داشت. تعیین خطمشی و سیاست دفاعی ایران، ترسیم سیاست‌های تبلیغاتی و نیز به‌کارگیری دستگاه‌های اجرایی برای تحقق اهداف ایران در جنگ تحمیلی توسط این متخصصان انجام می‌شد. تصمیم‌های مهم جلسات این شورا، توسط نمایندگان ویژه امام(ره) و یا سایر اعضای شورا به امام(ره) گزارش داده می‌شد.

با توجه به ساختار نیروهای نظامی در جمهوری اسلامی ایران، ایجاد هماهنگی و انسجام درونی این نیروها را ضرورت می‌بخشید. بنابراین یکی از نمودهای مدیریت امام(ره) در این دوره تلاش در ایجاد هماهنگی و انسجام در بین نیروهای ارتش، سپاه پاسداران، ژاندارمری و نیروهای مردمی بود. ایشان در رهنمودهای خود همواره فرماندهان و نیروهای نظامی را از گروه‌گرایی و تفرقه پرهیز می‌داد.

از جمله تدابیر امام(ره) برای کنترل و مدیریت جنگ تحمیلی، تکیه بر قدرت دفاعی سپاه پاسداران بود. با توجه به نو پا بودن این نهاد، در میانه‌های جنگ تحمیلی دستورات لازم برای توسعه تشکیلات سپاه و تقویت سازمان رزم این نهاد در سه حوزه زمینی، هوایی و دریایی صادر و اجرایی شد. این موضوع نقش مهمی در انجام عملیات‌ها داشت.

References

A) Book & Article

- Afzali, rasoul and amir mohsenzadegan (2018): *investigation about military tactics of Imam Khomeini from point of view of domestic pundits, Tehran: center of documents and researches pf holy defense. (In Persian)*
- Aghabakhshi, Ali and minoo afhariraad (2007): *political culture, Tehran: chapaar. (In Persian)*
- Beheshti, seyed Mohammad hossein (1998): *theoretical foundations of constitutional law, Tehran: center for publication of works and thoughts martyr ayatollah Beheshti. (In Persian)*
- Center for arrangement and publishing of imam khomini's (1998): *Imam and holy defense: memoirs from militants and commanders of troops of Islam, Tehran: center for arrangement and publishing of imam khomini's works, orouj institution of print and publishing. (In Persian)*
- Darvishi se tallani, farhaad (2006): *war of Iran and Iraq questions and Answers, Tehran: guard corps of Islamic revolution, center for studies and researches of the war. (In Persian)*
- Doroudian, Mohammad (1383): *beginning till the end, an investigation in war of Iran and Iraq, Tehran: center for studies and researches of the war. (In Persian)*
- Forootani, Zahra (2008): *fundamental of strategic decisions of Imam Khomeini, Tehran: institute of imam Khomeini and Islamic revolution. (In Persian)*
- Ghafaari jaahed, Maryam (2007): *"The role of women in fiction literature of Holy Defense", Fiction literature Journal, No. 113, January.*
- Gold, Julius and William.l, colb (1997): *dictionary of social science, translated by mostafaa azkya and the others, Tehran: mazyar. (In Persian)*

- *Hadis_e_vellayat (1996): collection of guidances of supreme leader, Tehran: office of spreading of Islamic culture. (In Persian)*
- *Khodsiani, mostafaa, hadi moraad piri and esmaeil Ahmadi (2012): "Investigating the role of military leadership and commandership in Holy Defense and future war, from Supreme War commanders", Journal of Defense Policy, Twentieth year, No. 81. (In Persian)*
- *Khomeini, rouhollah (1983): sahife noor, hehran: ershaad publishing. (In Persian)*
- *Khomeini, rouhollah (2010): sahife imam, Tehran: center for arrangement and publication of Imam Khomeini's works. (In Persian)*
- *Management of utilization of center for studies and researches of the war (2008): kheybar operation: possession of majnoon islands (planning, enforcement, results, reflexes), Tehran: center for studies and researches of the war. (In Persian)*
- *Marandi, Mehdi (1383): army from point of view of Imam Khomeini, Tehran: center for arrangement and publication of Imam Khomeini's works. (In Persian)*
- *Marandi, mehdi and davoud soleymani (1383): holy defense (imposed war) in thought of Imam Khomeini, Tehran: center for arrangement and publication of Imam Khomeini's works. (In Persian)*
- *Nikjoo, aliehsaan and zohreh aghababaei (2006): an observation on origins and foundations of military management of Islamic Iran in eight years holy defense, Tehran: naghsh_e_bayan. (In Persian)*
- *Parsaadoust, Manouchehr (2006): we and Iraq, from far past till today: invasion of Iraq, consequences, end of the war and events after that, Tehran: company of sharing publication. (In Persian)*
- *Sheydaiian, hossein (2007); spiritual and cultural factors of holy defense: leadership of Imam Khomeini. (In Persian)*

B) Press

- *Information newspaper, 1359/8/5.*
- *Keyhan newspaper, 1360/12/2.*
- *hope of revolution magazine, number 137, September 1365.*
- *Information newspaper, 1359/7/22.*
- *Interview with Major General of Revolutionary Guard Mohsen Rezaei information newspaper, 1364/7/6*
- *Islamic revolution newspaper, 1359/7/22.*
- *Islamic revolution newspaper, number, 1365/2/22.*
- *Keyhan newspaper, 1359/8/3.*
- *Keyhan newspaper, number, 1379/7/3.*
- *Letter of Islamic revolution, Number 4, July and august 1360.*
- *Saf monthly magazine, number 26, February 1360.*

Military tactics of Imam Khomeini in confrontation with Iraq

*Mohammad Ali jodaki*¹

*Roghaye keshavarz*²

Abstract

At the beginning of the imposed war in September 1980, Iran entered the most important crisis after the Islamic revolution. Imam Khomeini, as the Islamic Revolution leader of Iran, took control of this war and managed the affairs. The purpose of this paper is to investigate Imam Khomeini's military tactics in confronting the invasion of Iraq in the eight-year period of holy defense. The main question of this research is that what was the role of Imam Khomeini in the management of imposed war. The hypothesis of this paper is that the management of imam has been made up of his valued framework as the political and spiritual leader of the Islamic Republic of Iran. Consultation and contribution of military experts and role of coordinator of political and public forces was a prominent feature of the revolution leader management. Using historical methods and documentary analysis, this query looking for that explains the military dimensions of imam's tactics in the midst of the imposed war management. On the basis of the findings of this study, Imam Khomeini as the chief commander of all the forces from the early days of the invasion of Iraq to Iran, considered the war as a phenomenon that could threaten the Islamic Republic and the foundation of Islam. He managed the issue of war and defense against the enemy's invasion as an individual who was faithful to the principles and foundations of ideal goals. His military tactics was in the line of assigning professional tasks of the war to the military experts: Supervising the trend of war developments in defense fields, the role of Coordinator, the coordination

¹. PHD graduated of history of Iran after Islam (responsible author). Email: mohamadjodaki@gmail.com.

². MA graduated of history of Islam.

of armed forces and especially the ability to mobilize people's forces can be clarified. Efforts to strengthen the Revolutionary Guards and the use of combat and defensive power of this force were also the main military tactics of leader of the revolution.

Key words: *Imposed war, Imam Khomeini, military tactics, crisis management, coordination and harmony.*